

آخرین امیدهای خاتمی؟

رییس‌جمهور پیشین در پیامی به مناسبت سالگرد پیروزی انقلاب مطرح کرد ؛ 15 اصلاح واجب و اساسی

گروه سیاسی | محمد خاتمی رییس‌جمهوری پیشین ایران در پیامی به مناسبت چهل‌وچهارمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی تاکید کرد که باید به توقع و خواست ملت تمکین کرد و ملت را فراتر از نسل ما و نسل‌هایی که در انقلاب و حتی اصلاحات حضور داشتند، دانست. به گزارش جماران، گزیده پیام محمد خاتمی رهبر جبهه اصلاحات در ادامه می‌آید.

جوان امروز سخت عاصی و معترض است، نه فقط آنکه در میدان بوده است و اعتراض او با سرکوب و برخورد نامناسب روبرو شده است، بلکه دل‌های انبوهی از جوانان و حتی نسل‌های پیشین که در صحنه اعتراض نبوده‌اند با معترضان بوده است ولو اینکه پاره‌ای شیوه‌ها و رفتارها را نمی‌پسندیده‌اند.

آنچه امروز آشکار است، نارضایتی گسترده است و اشتباه بزرگ نظام حکمرانی کشور این است که جلب رضایت بخش کوچکی از جامعه را که به خود وفادار می‌داند به قیمت افزایش نارضایتی اکثریت جامعه که گرفتار مشکلات فراوان است و متأسفانه امید به آینده بهتر را از دست داده است، مدّ نظر قرار داده است.

فعلاً سخن بر سر این نیست که قانون اساسی تا چه حد با موازین جمهوریت سازگار است گرچه به نظر من آنچه در پیش‌نویس قانون اساسی بود و به تایید مراجع از جمله امام هم رسید با موازین جمهوری مردم‌سالار سازگارتر بود و در بازبینی هم فاصله بیشتر شد ولی قانون اساسی لازم است در موقع خود تغییر کند و اصلاح شود ولی سخن فعلاً بر سر ممکنات است.

تنگناهایی که جامعه با آن روبرو است انکارکردنی نیست و نتیجه آن نارضایتی در سطح گسترده و احساس نومی‌دی از بهبود اوضاع است که بر زندگی عموم مردم سایه افکنده است.

به جای توجه منطقی و سنجیده به این خواسته‌ها و نیازها با روش خشن و سخت‌افزارانه با آنها مقابله می‌شود و چه جان‌هایی که در این عرصه ستانده می‌شود و چه محدودیت‌ها و آسیب‌های جبران‌ناپذیری که به جامعه تحمیل می‌شود و نتیجه افزوده شدن مشکل بر مشکل است.

در این میان آنچه سایه شوم خود را بر جامعه افکنده است یک دو قطبی است: از یک سو پنداشته و پیاپی تکرار می‌شود که همه‌چیز خوب و عالی است و اگر اشکالی هست ناشی از رویکرد و عملکرد غیرخودیها و نیز توطئه دشمن غدّار است؛ آنچه هست عین نظام و اسلام است. در قطب دیگر همه‌چیز سیاه و وحشتناک جلوه داده می‌شود و مشکل اصلی را خود نظام و راه‌حل را براندازی آن می‌دانند.

به لحاظ توازن قوا و امکانات و توانی که حکومت دارد براندازی (مکانیکی) آن ممکن نیست و شعار براندازی بهانه بیشتر پدید می‌آورد، برای ایجاد تنگناها و محدودیت‌های فضای آزاد و افزوده شدن آسیب‌های فراوان بر آسیب‌های پیشین.

به نظر من «اصلاح خود» هم در ساختار و هم رویکرد و هم رفتار، کم‌هزینه‌ترین و پرفایده‌ترین راه برون رفتن از بحران است.

باید به توقع و خواست ملت تمکین کرد و ملت را فراتر از نسل ما و نسل‌هایی که در انقلاب و حتی اصلاحات حضور داشتند، دانست.

من نه به سودای بازگشت به قدرت، بلکه برای گشودن راهی به سوی مهار بحران و عبور از تنگناها آنچه را گفته و نوشته‌ام در اینجا به نوعی تکرار می‌کنم.

۱- لزوم اهتمام به انسجام ملی و به حساب آوردن همه گرایش‌ها، سلیقه‌ها و اقوام و مذاهب و طبقات و گروه‌های اجتماعی.

۲- پایان دادن به تنش‌ها و درگیری‌ها در جامعه و آرامش بخشیدن به افکار عمومی از جمله نسبت به آنچه در جریان‌های تلخ و زیانبار سال 88 پدید آمد و نماد این امر برداشتن حصر و بسته شدن پرونده‌هایی است که بحق یا ناحق منجر به محکومیت و محدودیت بخش مهمی از نیروهای خوب روحانی، دانشگاهی، کارگری، هنری، رسانه‌ای و صنفی و شهروندان شده است. بعد از سال 88 به خصوص در جریان اعتراض‌های اخیر انبوهی از نیروها (و عمدتاً جوان) به خاک و خون کشیده شدند و دل‌هایی داغدار و جان‌هایی آزرده شد.

۳- آزادی زندانیان سیاسی و اعلام عفو عمومی نسبت به همه افراد و جریان‌هایی که به دلایل متقنی (نه آنچه مورد ادعای بازجویی‌ها و شبه محاکماتی است که وضع بدی دارند) بر شورشگری و آشوبگری آنها وجود ندارد.

۴- اصلاح روند و رویه قضایی کشور به ویژه در فرآیند بازجویی‌ها،

بازپرسی‌ها و محاکمات و احقاق حق آنان که حقشان پایمال شده است و علی‌العجله الزام دستگاه‌های قضایی به پایبندی به بخشنامه رییس اسبق قوه قضاییه که در مجلس ششم به قانون تبدیل شد.

۵- آزادی اطلاع‌رسانی و حمایت از رسانه‌های آزاد و مستقل

۶- مبارزه با فساد در همه اشکال آن

۷- هر جا اختیار هست ناشی از قانون باشد؛ به ازای آن مسولیت و پاسخگویی به مردم (و نهادهای مردم‌بنیاد) وجود داشته باشد و همه عرصه‌های قدرت را در برگیرد.

۸- اصلاح سازوکار تشکیل مجلس خبرگان

۹- اصلاح شورای نگهبان

۱۰- بازگرداندن مجلس به جایگاه واقعی خود

۱۱- اصلاح سازوکار تشکیل مجمع تشخیص مصلحت نظام

۱۲- بازگرداندن نیروهای نظامی به جایگاه و مسولیت اصلی خود و جلوگیری از دخالت آنها در امر سیاسی و به خصوص درمان درد پر فساد جمع شدن ثروت، اطلاعات، اسلحه و اختیارات غیرقانونی و عدم پاسخگویی در يك جا است

۱۳- اصلاح رویکرد سیاست داخلی

۱۴- تغییر سیاست خارجی از دیپلماسی انزوا گرا و ترسان به دیپلماسی فعال و شجاع و متکی به حمایت ملی

۱۵- حاکم کردن شایسته‌گزینی و شایسته‌سالاری و تعطیلی سلطه پنهان و آشکار امنیتی و نظامی بر شوونات و انتصابات

نشانه‌ای از تمایل حاکمیت به اصلاح و پرهیز از اشتباهات گذشته و حال مشاهده نمی‌شود؛ اصلاحاتی که منوط به تغییر و اصلاح قانون اساسی (که حتما در جای خود لازم است) نیست بلکه با بازگشت به روح (و حتی نص) همین قانون اساسی این همه اصلاحات میسر است.

اصلاح‌طلبی به شیوه و روال تجربه‌شده (یعنی درخواست از مقامات بالادستی برای اصلاح که نشان داده‌اند حتی آن را نمی‌شنوند چه رسد به اینکه در آن تامل و به آن عمل کنند و نیز حضور در عرصه قدرت به هر قیمتی که به هیچ قیمتی امکان حضور به اصطلاح غیرخودی را نمی‌دهند) این شیوه اصلاح‌طلبی اگر نگوییم ممتنع شده است دست‌کم به صخره ستبر بن‌بست برخورد کرده است و مردم هم حق دارند از آن مثل خود نظام حاکم نومید شوند.

اگر راه اصلاح‌خواهی و اصلاح‌طلبی به شیوه سابق به بن‌بست رسیده و اگر اصلاح‌طلبی ظرفیتی بیش از اصلاح‌طلبان به معنای متعارف دارد- که دارد، می‌توان گفت و امیدوار بود که اگر این جزیره‌های جدا از هم به هم پیوندند و خود را در کنار مردم و آشنا با دردهای مردم و دغدغه‌دار نسبت به کشور و صلاح آن نشان دهند و بی‌لکنت زبان و با

شفافیت و نیز با اتخاذ شیوه‌های مدنی خشونت‌پرهیز صدای خود را به جامعه و حاکمیت برسانند شاید (و البته شاید) حاکمیت هم وادار به تغییر رویه و پذیرش اصلاح‌گرانند.

من: ۱۳۹۷/۱۷/۱۴۰۱